

قضاوت در اسلام

قسمت بیست و دوم
حجت الاسلام والمسلمین عباسعلی علیزاده



احتمال آخر و هو ان يكون المراد منها الصحة باعتماد الحامل و لكن في تعيين احد هذه الاحتمالات لا بد من ملاحظه دليل القاعدة و ان اى واحد من هذه الاحتمالات مفاد ذلك الدليل ... می فرماید ...

مراد و مقصود از صحت در این قاعده آیا صحت واقعی است؟ یا صحت به اعتقاد فاعل؟ و در اینجا احتمال دیگری هم وجود دارد و آن اینکه مقصود صحت به اعتقاد حامل باشد و لكن در تعیین یکی از این احتمالات باید به دلیل قاعده توجه شود و اینکه کدام یک از این احتمالات از دلیل مستفاد می شود...

بعداً آن مرحوم می فرماید فرقی نمی کند به این که دلیل قاعده، سیره و روش عقلاء چه مسلمان و چه غیرمسلمان باشد یا اجماع و یا احتیاط نظام هر چه باشد ... فی ان المراد الصحة الواقعيه ... مقصود صحت واقعی است بعداً آن مرحوم پس از توضیحی که می دهد چنین می فرماید ... مثلاً لو علموا ان رجلاً طلق زوجته، او باع داره او اشتري داراً او اى فعل صدر عن شخص يحملونه على الصحة الواقعيه و يرتبون على ذلك الفعل آثار الصحة سواء كان ذلك الفعل من العبادات او المعاملات و من العقود او الأيقاعات .

ترجمه؛ مثلاً اگر مردم بدانند به این که مردی زوجه اش را طلاق داده یا منزلش را فروخته یا منزلی را خریده یا هر فعلی که از هر شخصی صادر شده حمل می کنند بر صحت واقعی و مترتب می کنند بر آن فعل صحت را اعم از این که آن فعل و عمل از عبادات باشد یا معاملات و یا این که در زمره عقود و ایقانات باشد .

مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) در کتاب شریف رسائل ص ۴۱۶ قائل به تفصیل است و صوری را نقل

عظام در باب احکام نجاسات به این شرح :

مسئله ۱۴۵- اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است باید به مهمانها بگوید، اما اگر یکی از مهمانها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد (تا اینجا مربوط به بحث ما می شود) ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که می داند که به واسطه نگفتن خود او هم نجس می شود باید بعد از غذا به آنان بگوید (البته در این مسأله مراجع عظام در ذیل آن هر کدام توضیحاتی داده اند که طالبین به توضیح المسائل مراجع جلد اول که دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم منتشر نموده مراجعه نمایند .

فرض دیگر مسأله این است که حامل از علم و جهل فاعل بی خبر است و نمی داند که فاعل اطلاع دارد یا خیر و حامل حق تحقیق و تفحص هم ندارد بلکه از نظر شرعی تفحص اشکال دارد در این صورت اصل صحت جاری می شود و ظاهراً مبتلا به در اکثر موارد همین فرض است چنانچه می بینیم اقدام به معاملات و ایفاعات می کنند بدون اینکه درباره صحیح و فاسد آن فحوص و جستجو نمایند به اینکه مثلاً خرید و فروش که قبلاً انجام شده و بوسیله آن مالک شده و یا اینکه مالک که مدعی مالکیت است یا اینکه می دانیم این ملک قبلاً متعلق به فرد یا افراد دیگری بوده است .

مرحوم آیت ... بجنوردی در قواعد الفقهیه جلد ۱ ص ۲۴۰ شرح نسبتاً جالبی داده اند که ذیلاً بیان می شود .

الثانی - ان المراد من الصحة فی هذه القاعدة هل الصحة الواقعيه او الصحة باعتقاد الفاعل؟ وهنالك

منظور از صحت در این بحث چیست (بمخالف آخر)

صحت در ما نحن فیه در برابر فساد و بطلان است، منظور فقهای عظام کثرالیه امثالهم اثر کار انجام شده می باشد که این معنی بحث ماهوی است نه معنای صحت و فساد که در بحث صحیح و اعم در اصول مطرح است چون آن بحث لفظی می باشد .

مثلاً بیع و شرانی واقع شده وقتی حمل بر صحت می شود یعنی ارکان بیع درست بوده و نقل و انتقال صحیحاً واقع شده است یا مثلاً عقد نکاحی واقع شده حمل بر صحت به این است که معتقد شویم عقد صحیحاً واقعاً شده و علقه زوجیت بین زن و مرد واقع شده است .

حمل بر صحت در احکام تکلیفی هم مصداق دارد مثل اینکه کسی مایعی را می نوشد و یا چیزی را می خورد و احتمال حرمت داده شود حمل فعل مسلمان بر صحت حکم می کند که قائل به حلیت و جواز شویم و بگوئیم حلال و جایز است .

مسأله دیگری که در این باب یا قاعده مطرح است، مسأله صحت است به این بیان که حمل بر صحت به اعتقاد چه کسی، آیا منظور از صحت، صحت واقعی مراد است یا صحت به اعتقاد فاعل فعل است یا صحت به اعتقاد شخص دیگری که می خواهد فعل انسان مسلمان را بر صحت حمل کند «حامل» این مسأله شقوق مختلفی دارد زیرا گاهی انسان میدانند که آنچه را فاعل انجام می دهد واقعاً حرام و غیرشرعی است اما او نمی داند، در این صورت برای فاعل اشکالی ندارد چون جاهل است ولی حامل برای خودش نمی تواند ترتیب اثر دهد .

مانند مسأله ۱۴۵ توضیح المسائل آقایان فقهای



می کند که قابل توجه است آن مرحوم چنین وارد بحث می شود .

الأول ان المحمول عليه فعل المسلم هل الصحة باعتبار الفاعل او الصحة الواقعية فلو علم ان معتقد الفاعل اعتقاداً بعذر...

یعنی اینکه باید حمل فعل مسلمان بر صحت شود آیا صحت به اعتقاد الفاعل منظور است یا این که منظور صحت واقعی است . . . آن مرحوم وارد بحث شده و مقداری شرح می دهد و سپس چنین می گوید ظاهر مشهور صحت واقعی مقصود است و نهایتاً پس از اینکه شقوق مسأله و نظریات بعضی از اصولیین را بیان می کند قائل به تفصیل می شود و در پایان چنین بیان می کند . . .

فالظاهر الحمل لحرمان الأدلة بل يمكن جريان الحمل على الصحة في اعتقاده فيحمل على كونه مطابقاً لاعتقاد الحامل لأنه الصحيح و ان كان عالماً بجهله بالحال و عدم علمه بالصحيح و الفساد . .

آن مرحوم در اینهم اشکال میکند به این بیان که می فرماید قضیه ایضاً الأشکال المتقدم و آن مرحوم به جمله فلا ید من التبع و التامل مطلب را ختم می کند ، خلاصه حرف مرحوم صاحب رسائل این است که مسأله دارای افراد و موارد متعددی است و در همه جا نمی شود حمل بر صحت نمود و خلاصه دارای صور مختلف است به این شرح :

مثلاً گاهی کسی که در صحت عمل دیگری شک و تردید دارد (حامل) می داند که فاعل جاهل است ، و گاهی می داند فاعل عالم است و گاهی نمی داند که او جاهل است و یا عالم ، در صورت اول اصل صحت جاری نمی شود صورت دوم سه حالت دارد یکی این که حامل با فاعل هم عقیده باشند در این مورد حمل بر صحت اشکالی ندارد .

حالت دوم این است که هر دو بر مسائل و احکام آگاهند ولی حامل نمی داند که فاعل با او هم عقیده است یا خیر در این مورد هم حمل بر صحت جاری می شود .

حالت سوم اینکه هر دو آگاهند ولی اختلاف عقیده دارند مثلاً یکی معتقد به صحت بیع معاطات است و دیگری نیست در این صورت حمل بر صحت مجوز ندارد . و اما صورت سوم که فاعل از علم و جهل فاعل بی خبر است اصل صحت جاری می شود و معمولاً مبتلا به در جامعه در تمام ایوان معاملات و عقود و ایقاعات و عبادات همین فرض است که حمل بر صحت می کنند .

« ادله حجیت قاعده صحت »

مرحوم شیخ اعظم انصاری (ره) در کتاب شریف رسائل ص ۴۱۴ به ادله از بعه جهت اثبات حجیت متمسک شده که به شرح ذیل اختصاراً متعرض می شوم .

آیاتی از قرآن مجید :

۱- وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا ، سوره بقره آیه ۸۳ بناء علی تفسیره بمافی الکافی من قوله (ص) لَا تَقُولُوا الْاَخِير

حتى تعلمو ما هو .

ترجمه ؛ بگویند درباره مردم به نیکویی ، یعنی برکارهای مردم اثر نیک بارکنید ، این مفهوم مستفاد است از فرمایش پیغمبر اکرم (ص) بنا بر نقل کتاب شریف اصول کافی به این که آن حضرت می فرماید درباره مردم به جز خیر نگویید تا اینکه بدانید مقصودشان چیست (یعنی وقتی علم پیدا کردید به مقصود مردم همان را معتقد شوید و الا اگر علم نداشتید به جز خیر پندار دیگری نداشته باشید) .

۲- اجتناباً کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم . (سوره بقره آیه) .

یعنی ؛ از بسیاری از گمانها پرهیز کنید چون بعضی از آنها گناه هستند . مفهومش این است که گمان بد درباره مردم مذموم است و گناه می باشد و قرآن شریف از آن نهی می کند .

۳- «یاایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید به عقود (بین خودتان) پای بند و وفادار باشید .

مرحوم شیخ انصاری در توجیه و استفاده از این آیه شریفه برای مدعای خود می فرماید...

بناء علی ان الخارج من عمومه لیس الا ما علم فساد لانه المتیقن .

۴- «الا ان تکون تجاره عن تراض به این آیه مرحوم محقق ثانی استناد نموده ولی شیخ اعظم در پایان می فرماید لکن لا یخفی ما فیه من الضعف ، واضعف منه دعوی دلاله الا یتین الا ولتین» .

و اما روایاتی که دلالت بر حجیت قاعده صحت می کنند .

۱- در کتاب شریف اصول کافی عن امیرالمومنین (ع) :

ضع امر اخیک علی احسنه حتی یتیک مایقلبک عنه و لا تظن بکلمه خرجت من اخیک سوء و انت تجدلها فی الخیر سبباً = رسائل شیخ انصاری ص ۴۱۵ .

یعنی ؛ کار برادر مؤمن خود را بر نیکی حمل کن تا اینکه بیاید چیزی که مانع این شود و بدگمان مشو به گفتار او در حالی که می توانی بیایی محمل خوبی (و گفتار او را حمل به خوبی نمایی) .

۲- قول الصادق (ع) لمحمد بن الفضل «یا محمد کذب سمعک و بصیرک من اخیک فان شهد عندک خمسون قسامه انه قال و قال لم اقل فصدقه و کذبهم» (مدرک فوق) .

یعنی امام صادق (ع) به محمد بن فضل فرمودند با محمد تکذیب کن گوش و چشمت را از برادرت پس اگر پنجاه نفر با سوگند (مطلب نادرستی را در باره برادر مسلمانان گفتند) بیان کردند که او گفته است ولی او گفت من نگفتم ، پس تو تصدیق کن برادر مسلمانان را و آن پنجاه نفر را تکذیب کن .

۳- موارد مستفیضاً ان المومن لانهم اخواه و اذا اتهم اخواه انحاء الایمان فی قلبه اغیاث الملع فی الماء وان من اتهم اخواه فلا حرمة بینهما و ان اتهم اخواه فهو ملعون ملعون .

ترجمه ؛ آنچه از روایات به صورت استفاضه وارد شده به این که مؤمن متهم نمی کند برادر مؤمنش را و اگر متهم نمایند برادرش را ، ایمان در قلبش ضایع می شود همچنان که نمک در آب ضایع می شود .

و اینکه کسی که متهم نماید برادر مسلمانش را پس حرمت بین آنها از بین می رود و این که کسی که متهم نماید برادر ایمانی خود را پس او از رحمت خدا به دور است ؛ از رحمت خدا بدور است .

مرحوم شیخ انصاری می فرماید ولکن الانصاف عدم دلالة هذا الأخبار .

یعنی انصاف این است که این اخبار دلالت نمی کند مگر بر اینکه ناچار است حمل کند آنچه صادر می شود از فاعل بر وجه نیکو در نزد فاعل ، و بر وجه قبیح در نزد او حمل نمی شود ، ولی ما در این باب این را نمی گوئیم .

بعدا مرحوم شیخ انصاری در تفصیل جامعی که نسبتاً بیان می کند و روایات را توجیه و معنی می کند و روایات دیگری را در نقض و ابرام آنها بیان می کند در پایان چنین نتیجه گیری می کند . . . مما یجده المتبع فان الجمع بینها و بین الاخبار المتقدمة .

می فرماید جمع بین این روایات به این است که ترک کند ترتیب آثار تهمت را و حمل بر وجه نیکو نماید و سایر آثار دیگر را متوقف نماید .

دلیل سوم اجماع است

الأجماع القولی والعملی اما القولی فهو مستفاد من تتبع فتا و الفقها فی موارد کثیره .

مرحوم شیخ انصاری ؛ اجماع قولی و عملی را بیان می کند و در پایان می فرماید ... ولا اظن احداً یتکر ذلک الا مکابرة ، یعنی گمان نمی کنم کسی منکر شود اجماع را مگر «مکابرة» کتبه از حرف بدون استدلال است .

دلیل چهارم ؛ عقل است

العقل المستقل الحاکم بانه لو لم یبین علی هذا الأصل لزم اختلال نظام المعاد و المعاش بل الاختلال الحاصل من ترک العمل...

یعنی عقل مستقل حکم می کند به اینکه اگر عقلاً تصمیم نگیرند بر این اصل اختلال نظام لازم می آید پس از بیان مطالبی می فرماید... فیدل بضحو علی اعتبار اصله الصحة فی اعمال المسلمین...

پس دلالت می کند فحوائی این روایات به این که اصلت صحت در اعمال مسلمین دارای اعتبار است ، در پایان باید عرض کنم ، آنچه از مجموع نظریات و نقض و ابرام فقها و اصولیین استفاده می شود این است که حجیت اصل صحت را اجمالاً همه قبول دارند . نهایتاً بعضیها بجز روایت حفص بن غیاث (لولا ذلک لما قام للمسلمین سوق) مانند شیخ انصاری و بعضی از اصولیین آیات و روایات را قبول ندارند و بعضیها سیره عقلاً را کافی می دانند مانند مرحوم میرزا حسن بجنورد و آیه الله العظمی مکارم و نیز بعضیها به عسر و حرج و اختلال نظام تمسک نموده و قبول دارند مانند مرحوم شیخ انصاری .